

مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

دوره دوم، شماره چهل و یکم

تابستان ۱۳۸۴، صص ۲۵۰-۲۲۹

## نگرشی نو به زبان و شعر جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی

دکتر جمشید مظاهری\* - حمیدرضا قانونی\*

### چکیده

جمال الدین ابو محمد عبدالله بن کمال الدین عبدالرزاق اصفهانی، از شاعران قرن ششم هجری است. شخصیت این شاعر و شعرش از چند بعد دارای اهمیت است: نخست آنکه وی یکی از سرایندگان پیش از مغول در اصفهان است. دیگر آنکه شعر وی در تقلید از سبک و شیوه سنایی؛ یعنی کاربرد «زهدیات» قابل تأمل و بررسی است؛ و سوم آنکه در جریان تغییر سبک، وی یکی از حلقه های اتصال سبک غزل انوری و سعدی است. این ویژگیها سبب شد تا ضمن اشاره ای کوتاه به برخی از مختصات سبکی و زبانی شعر او، تصحیح تازه ای از دیوان او مورد بررسی قرار گیرد و به برخی از نقایص چاپ های پیشین و بر طرف کردن این نقایص درمقابله کنونی اشاره شود.

### واژه های کلیدی

تصحیح، دیوان، جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی، نسخه، قصیده، قطعه.

### مقدمه

پس از آنکه قزوینی با روش تصحیح علمی آشنا شد و این شیوه را برای تصحیح آثار ادبی به کار گرفت، نقطه عطفی در تصحیح متون حاصل شد. این تحول سبب شد تا

\* - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

\* - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

در دورانی بسیار کوتاه، مجموعه‌ای از آثار با ارزش و متون فارسی با روش تصحیح جدید و روشمند در اختیار پژوهشگران قرار گیرد.

اگر چه تعداد این تصحیح‌ها هر روز افزایش می‌یابد، ولی هنوز بخش عظیمی از آثار ادبی به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های ایران و جهان عملاً بی‌استفاده مانده است.

دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی، از جمله متونی است که اگر چه دوبار به زیور طبع آراسته شده است، اما هنوز تصحیحی علمی و منتقدانه از آن در دست نیست. امروزه اشعاری از این شاعر موجود است که در هیچ کدام از دو دیوان چاپ شده یافت نمی‌شود. بخش دیگری از این اشعار نیز بدرستی خوانده نشده است و همچنان به صورت لاینحل باقی مانده است. اکنون نسخه‌هایی در دست است که در قیاس با ضبط چاپهای پیشین بمراتب صحیح‌تر است.

در قرن ششم درپهنه نظم و نثر فارسی دگرگونی‌های عظیمی حاصل شد که تا مدت‌ها تأثیر خویش را در ادبیات فارسی بر جای گذاشت. یکی از این تحولات درحیطه نثر فارسی، ظهور نثر مصنوع بود. اما تحول بزرگتر در پهنه نظم صورت پذیرفت و آن ورود مضامین و مفاهیم متصوفانه و عارفانه در شعر پارسی بود. شعری چون خاقانی، انوری، جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی، ظهیر فاریابی، رشید الدین وطواط و... همگی در این قرن ظهور کردند و بسیاری از آنها کم و بیش به شعر شاعر بلند آوازه و عارف این عصر؛ یعنی سنایی غزنوی نظر داشته‌اند. اگر چه سنایی مبتکر به کارگیری این مفاهیم در شعر فارسی نبود (۱۳/ ص ۲۵۴)، اما به خاطر گسترش این مفاهیم در شعر فارسی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است.

جمال الدین ابو محمد بن عبدالله عبدالرزاق اصفهانی از جمله شاعرانی است که در پیروی از سنایی و شیوه او - هرچند ناموفق - سخن سرایی می‌کند. در این گفتار شعر او از دو جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد: نخست زبان و شعر جمال الدین عبدالرزاق و دیگر ضرورت تصحیحی تازه از دیوان وی.

## زبان و شعر جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی

### ۱- جایگاه جمال الدین در شعر فارسی:

اگر به جمال الدین به عنوان یک متشرع نگریسته شود، نه به عنوان یک شاعر مداح، می‌توان گفت: اساسی‌ترین ویژگی شعر و زبان او همین نکته است. هر چند میزان قصاید زاهدانه او بسیار محدود است، اما همین تعداد کم، حکایت از توانایی او در سرودن شعرهای حکیمانه دارد. اگر چه قصاید وی بیشتر در مدح پادشاهان عصر، خاندان خجندی و خاندان صاعدی است، با این وصف موضوع موعظه، پند و زهد (همان شیوه سنایی) جایگاه ویژه‌ای در دیوان او دارد و روشن است که در این مقوله وامدار سنایی است.

### ۱- تأثیرپذیری جمال الدین از شعرای پیشین:

آن‌گونه که اشاره شد، سنایی «طرحی نو» در شعر فارسی درافکند و این طرح نو سبب شد تا شاعران دیگر همگی در سرودن شعر از او پیروی کنند. جمال الدین اصفهانی نیز به پیروی از سنایی مضامین حکمت آمیز و زاهدانه را در قالب قصیده و گاه غزل می‌ریزد و شعر خویش را در محتوا به او نزدیک می‌کند. مقایسه ژرف و درست میان سنایی و جمال الدین در این مجال ناممکن است، اما تنها به نمونه‌هایی اشاره می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند برای آگاهی بیشتر به مقدمه این تصحیح رجوع کنند. این پیروها حتی در قطعات جمال الدین نیز مشاهده می‌شود؛ هر چند نمونه اصلی آن در قصیده است. وی قصیده‌ای در زهد و موعظت با مطلع زیر دارد:

الحدار ای غافلان زین وحشت آباد الحدار

الفرار ای عاقلان زین دیو مردم الفرار

که دقیقاً از قصیده سنایی اقتباس شده است. مطلع آن قصیده چنین است:

ای خداوندان مال الاعتبار الاعتبار ای خدا خوانان قال الاعتذار الاعتذار

(۹/ صص ۱۸۶-۱۸۲)

با مطالعه دقیق این دو قصیده و مقایسه آنها می‌توان به پیروی جمال الدین از سنایی در زمینه زهد دست یافت. اکنون به نمونه دیگری توجه کنید. و سنایی گوید:

چند ازین رمز و اشارت راه باید رفت راه

چند ازین رنگ و عبارت کار باید کرد کار

(۹ / صص ۱۸۶-۱۸۲)

و جمال الدین به پیروی از او گوید:

تا کی این حال مزور راه باید رفت راه

تا کی این قول محرف کار باید کرد کار

در این بیت جمال الدین علاوه بر اقتباس مضمون از سنایی، در الفاظ نیز از سخن او استفاده کرده است. چنین پیرویهایی در دیوان او فراوان است. این موضوع زمانی آشکار می شود که تمام قصاید حکمت آمیز جمال الدین اصفهانی با قصاید سنایی مقایسه شود.

جمال الدین عبدالرزاق در مضامین نیز از دیگر شاعران پیشین خود، چون منوچهری و کسایی تأثیر فراوان پذیرفته است. وی کمتر در قصاید خویش تشبیب می آورد؛ اما قصایدی دارد که با مطالعه آنها بخوبی می توان به حذقت وی در آراستن سخن با تشبیب پی برد؛ مثلاً در قصیده‌ای با مطلع:

اینک اینک نو بهار آورد بیرون لشکری

هر یکی چون نو عروسی در دگرگون زیوری

به وصف بهار می پردازد؛ پس از آن نیز با حسن تخلص به مدح نظام الدین ابوالعلائی صاعدی روی می آورد. با خواندن این تشبیب خواننده می تواند در یابد که جمال الدین به قصیده مشهور منوچهری با مطلع:

بر لشکر زمستان نوروز نامدار کرده است رای تاختن و قصد کارزار

(۱۵ / ص ۳۹)

نظر داشته است، بویژه که در هر دو، نوروز بمنزله ملک و پادشاهی تصور شده است. ویژگی مشترک دیگر این دو شاعر توجه به لغز یا چیستان است. جمال الدین نیز چون منوچهری قصایدی دارد که در آنها با استفاده از چیستان به مدح ممدوح می پردازد. یا این بیت از وی که می گوید:

پیش لطف صبحدم جامه بدرد تا به ناف

راست همچون عاشق سرمست در وقت سماع

خواننده را به یاد این بیت مشهور کسایی مروزی می اندازد که می گوید:

گویی که دوست قرطه شعر کبود خویش تا جایگاه ناف به عمدا فرو درید  
(۱۴ / ص ۶۲)

یا بیت نخستین که به نظر می رسد از این قصیده انوری پیروی کرده است که هم در وزن و هم در قافیه با آن منطبق است:

جَبْدًا بزمی کز او هر دم دگرگون زیوری

آسمان بر عالمی بندد زمین بر کشوری  
(۴ / ص ۴۶۴)

به طور کلی، او در قصیده از عنصری و انوری، در غزل از سنایی، در قطعه از انوری و در رباعی از خیام پیروی می کند، اما میزان تاثیر گذاری او بمراتب از تاثیر پذیری اش بیشتر است.

## ۲- تأثیر گذاری جمال الدین بر شاعران پس از خویش:

جمال الدین عبدالرزاق بر شاعران پس از خود، بویژه سعدی و حافظ تأثیر گذاشته است. البته، این تأثیر بر سعدی بمراتب بیشتر از دیگر شاعران است و در واقع، وی نماینده سبک عراقی و حلقه اتصال سعدی و انوری است. قطعاً سعدی در غزلهای خویش به غزلهای جمال الدین توجه داشته است (۱۱ / صص ۱۸۹ و ۲۱۵).

این تأثیر تنها در غزلیات مشاهده نمی شود، بلکه به نظر می رسد سعدی در مضامین حکمت آمیز بوستان و گلستان نیز به شعر جمال الدین، بویژه مقطعات او نظر دارد. مثلاً این ابیات جمال الدین:

گفتم به جوانی که به عالم در  
من مرد ندیدستم از او بهتر  
چون می نکنی خدمت مخدومی  
که ات گردد کار از همه سو بهتر  
گفتا که بسی کرده ام اندیشه  
نان تهی و نام نکسو بهتر

یاد آور حکایت مشهور سعدی در گلستان است که از زبان برادر آزاده می گوید: « نان خود خوردن و نشستن به که کمر زرین بستن » (۷ / ص ۸۳).

حتی حافظ نیز مستقیم یا غیر مستقیم استقبالیایی از غزلهای او دارد. نمونه های زیر بیانگر این موضوع است. جمال الدین می گوید:

دلم ز درد تو خون شد تو را چه غم دارد

نه عشق تو چو منی در زمانه کم دارد ؟

و سعدی می گوید:

تو را ز حال پریشان ما چه غم دارد  
اگر چراغ بمیرد، صبا چه غم دارد؟  
(۸ / ج ۱، ص ۲۴۹)

و حافظ می گوید:

دلی که غیب نمای است و جام جم دارد  
ز خاتمی که دمی گم شود چه غم دارد؟  
(۵ / ص ۲۴۴)

یا نمونه زیر که جمال الدین گوید:

برخیز که موسم تماشا است  
بخرام که روز باغ و صحراست  
و سعدی در همین وزن و قافیه گوید:  
بوی گل و بانگ مرغ برخاست  
هنگام نشاط و روز صحراست  
(۸ / ج ۱، ص ۶۷)

نظیر استقبالیهای یاد شده در دیوان سعدی و دیگر شعرا فراوان است. نمونه‌هایی از این دست اهمیت شعر جمال الدین را آشکار می سازد. دیوان جمال الدین مجموعه ای است بالغ بر ده هزار بیت شامل انواع شعر چون قصیده، غزل، رباعی، ترکیب بند و مثنوی که لازم است بیشتر مورد توجه قرار گیرد. در هفت اقلیم امین احمد رازی صفاتی برای نشر او آمده است، اما تاکنون هیچ نشانه‌ای از این نثر - که گویا تا قرن یازدهم وجود داشته است - در دست نیست. (۶ / ج ۲، ص ۹۱۵)

## II - شیوه سخن سرایی جمال الدین عبدالرزاق (زبان و شعر جمال الدین)

جز آنچه که در بالا به عنوان پیروی جمال الدین از شعر سنایی و طریقه او مطرح شد، شعر وی نکات قابل توجه دیگری نیز دارد که به پاره ای از آنها اشاره می شود:

۱ - بارزترین نکته شعر جمال الدین که در سراسر دیوان مشاهده می شود، سادگی کلام و روانی و سلاست آن است. جمال الدین در مقایسه با شاعران همعصر خویش چون خاقانی، از زبانی روان تر و ساده‌تر برخوردار است. صفا در این زمینه چنین می‌نویسد: «شعر جمال الدین خالی از تکلف و روان و ساده است. در قصاید خود گاه

از سنایی و گاه از انوری تقلید نموده، ولی چه در تقلیدهای خود و چه در موارد، دیگر همواره سهولت و روانی سخن را رعایت کرده است» (۱۲/ج ۲، ص ۷۳۳).

۲- آشنایی وی با زبان عربی و استفاده از آیات، احادیث، امثال و اشعار شاعران عرب. این استفاده ها در صنایع مختلف ادبی نظیر تلمیح، درج، حلّ و ... مشاهده می‌شود. به نمونه هایی از این کاربردها اشاره می‌شود:

تاکی این ظاهر به دق آرای و باطن به زرق

عالمُ السّرّ نیک داند رمز «ما یُخفی الصدور»

یا:

این کلاه کبر و فخر از سر نه و نه ز آنکه هست

نصّ قرآن «لایحبُّ کُلُّ مُختالٍ فخور»

یا:

شرع می گوید «لهذا الیبت ربّ ینصره» عقل می گوید «وقاه الله وَهُوَ المُستعان»  
۳- استفاده از مضامینی چون زهد، موعظت، اخلاق و به عبارتی مبانی شرعی در کلام. جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی در این شیوه، به سنایی نزدیک می‌شود. وی تلاش می‌کند «همان افکار و حتّی همان تعبیرات او را تقلید کند» (۴/ج ۲، ص ۳۳۷).

آنچه اهمیّت دارد، آنکه جمال الدین این موضوعات را در قطعات خود نیز به کار برده است. مطلع برخی از این اشعار چنین است:

الرحیل ای خفتگان کاینک صدای نفخ صور

رخت بر بندید از این منزلگه دارالغرور

یا:

رسول مرگ پیامی همی رساند به من که میخ خیمه دل زین سرای گل بر کن

یا:

چو در نوردد فراش امر «کُنْ فیکون» سرای پرده سیماب رنگ آینه گون  
در این قصاید جمال الدین با بهره گیری از قرآن کریم در باب قیامت، به وصف تصاویر قیامت، می‌پردازد. شاید تصاویر شاعرانه این قصاید بتواند تأییدی بر نقّاش بودن وی نیز باشد (ظرافت طبع او حاکی از هنرمند بودن اوست).

۴- «مفاخره» از موضوعات جالب توجه شعر فارسی است. افتخار به هنر، توانایی و فضایل خویش در سخن شعرای بزرگ این عصر، چون نظامی، خاقانی و... مشاهده

می‌شود. جمال الدّین عبدالرزاق اصفهانی هم گاه خویش را از انوری، عنصری و غضایری رازی برتر می‌نهد. نیز زمانی خاقانی و رشید و طواط را فروتر و گاه برتر از خویش می‌خواند:

عنصری کو که همی گفت ز محمود و کرم ؟

گو بیا از کرم شاه بخواه استحللال

کو غضاری که همی گفت به من فخر کند ؟

هر که او بر سر یک بیت نوشته است که قال

یا:

ز فرّمدح تو فرط مسماع

ز نظم خوب من زیب دواوین

نه چون شعر ابیوردی فقاقع

سرپایش همه مغز معانی

خطاب به خاقانی:

که قسوة ناطقه مدد از ایشان برد

هنوز گویندگان هستند اندر عراق

سجده بر طبع من روان حسان برد...

یکی از ایشان منم که چون کنم رای نظم

جمال الدّین در بسیاری از ابیات دیگر، خویش را از شعرای عرب نیز برتر می‌داند:

دگر نیارم گفتن که در جهان خرد

کمینه ریزه خورانم فرزدق است و جریر

۵- آشنایی شاعر با اساطیر و افسانه های کهن ایران، بویژه شاهنامه فردوسی:

که دست بردی از او چون به خاک راه انداخت

کلاه گوشه افراسیاب و تاج پشنگ

یا:

ای که چاووش ره حشمت تو خسرو جم

ای که سرهنگ در هیبت تو رستم زال

یا:

اصفهان چاه و من در او بیژن

دهر ماهی و من در او یونس

۶- آرایه های ادبی:

از آنجا که سخن جمال الدّین سادگی و روانی خاصی دارد، کلام او کمتر از آرایه‌های متنوع ادبی برخوردار است. ویژگی کلام وی، روانی و سهل و ممتنع بودن است که آن را تا حدودی می‌توان سبک رایج عصر او دانست؛ با این حال اگر صناعی نیز در کلام او هست، بیشتر از مقوله تشبیه و استعاره است. او از تشبیه و استعاره بسیار سود جسته است. این موضوع را می‌توان هم در قصاید و هم در غزلیات



او مشاهده کرد. گاهی آن چنان تشبیه های ساده و ابتدایی به کار می برد که خواننده به یاد سادگی شعر عصر سامانیان و قصاید رودکی، منوچهری یا فرخی می افتد:  
آب تیره کز میان برف می آید برون  
راست گویی صندل سوده ز کافور آمده است

یا:

از شکوفه چو ثریاست مرصع همه شاخ ای مه چارده آخر به ثریا آیی  
نمونه های دیگر از تشبیهات و استعارات روان و ابتدایی شعر:  
تشبیه بلیغ:

لب لعل تو در طرب زایی طعنه ها بسر شراب داند زد

یا:

در میان موج خون چون غرقه ای دست هر ساعت به جایی می زند  
به کار بردن تشبیه های تکراری که در شعر خاقانی نیز یافت می شود:  
رومی روز آب کارت برد و تو در کار آب  
زنگی شب رخت عمرت برد و تو در پنج و چار  
تشبیه نادر و کمیاب (و تا حدودی نزدیک به زبان حافظ):  
با سوز دل ز هجر تو نالم همی چنان کز ناله ام چو لاله زبان دردهان بسوخت  
استعاره های نادر:

بنفشه دوش می خورده است گویی که جمعدش بس مشوش می نماید

یا:

ای شده منجلی از دانش تو سینه عقل وی شده ممتلی از بخشش تو معدۀ آز  
برخی دیگر از صنایع ادبی در دیوان وی چنین است:  
لفاً و نشر:

خلق و خلقش مایه بخش ماه و خورشید آمدند  
کلک و نطقش کاروان عسکروشتر زده است

یا:

کان و دریا زد دل و دست ار اندیشه کنند دل دریا بچکد زهره کان آب شود

تضاد:

کس با تو شبی ز پای نشیند تا از سر هر چه هست برخیزد ...

وصل تو گشاده روی بنشیند  
چون دید که دل بیست برخیزد  
جناس:

با حریفان خویش خوش بنشین  
بار ما خود به هیچ باب مده  
یا:

زرشک زلف پر چین تو در چین  
بتان چین همه ماتم گرفته  
موازنه و ترصیع:

جمال الدین عبدالرزاق از این آرایه به نیکویی استفاده کرده است. شیوه او در این کاربرد به انوری نزدیک است:

همیشه با ویش بخت سازگار بود  
همیشه با عدویش چرخ کارزار کند  
یا:

نتایج فکر تو زینت گلشن دهد  
معانی بکر تو زیور بستان برد  
ایهام تناسب:

آهوی توست این پلنگی و سگی و روبهی  
بگذر از مردی از اینان وبه هم شان واگذار  
ایهام:

زان مهر که بنمودی یک ذره نمی بینم  
مهر تو بسان صبح خود دم زدنی باشد  
آرایه‌های بسیار دیگری نیز، نظیر مراعات نظیر، تضاد، اعنات و ... در شعر وی یافت می‌شود.

۷- نکات سبکی و واژگانی و کاربرد آنها در شعر او فراوان است و در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

الف - لغات و اصطلاحات عربی در شعر جمال الدین اصفهانی بسیار است. البته، این فراوانی سبب از بین رفتن سادگی شعر او نشده، زیرا این لغات و اصطلاحات در عصر و زمان او رایج بوده است.

ب - استفاده از ضرب المثله‌ها و تمثیلهای فارسی در شعر خویش. به نمونه های زیر دقت کنید:

هم به فدای تو کنم زود جان  
گرچه کسی زیره به کرمان نبرد  
یا:

تحفه فرستی همی سوی عراق اینت جهل

هیچ کس از زیرکی زیره به کرمان برد

یا:

در زیر گلیم چون توان زد طبل

کاندر همه عالم علم دارد

یا:

مرا به عشوه از این بیش در جوال مکن

که دل چو وعده تو پای در عدم دارد

یا این نمونه از بخش غزلیات:

هم جانم از فراق توای جان به لب رسید

هم کاردم ز هجر تو از استخوان گذشت

و نمونه های دیگر که خود مجالی دیگری طلبد.

ج - استفاده از داستانهای قرآنی چون داستان حضرت عیسی (ع)، موسی (ع)، یونس

(ع) و... این کاربرد از خصایص شعر فارسی محسوب می شود.

د - توجه به حقارت مدح و مداحی و رویگردانی شاعر از مدح. دیوان جمال الدین

مدایح بسیاری دارد، که بیشتر آنها در مدح دو خاندان صاعدی و خجندی است.

به نظر می رسد که وی در اواخر عمر از مداحی رویگردان شده است. این موضوع از

قطعات او مشخص است. علاوه بر مدح، مضامین دیگری چون مرثیه نیز دارد. وی

مرثیه ای در مورد شیخ شهاب الدین سهروردی دارد که از نیکوترین قصاید وی

محسوب می شود. مطلع آن قصیده چنین است:

بنگرید این چرخ و استیلای او

بنگرید این دهر و این ابنای او

ه - زبان جمال الدین در غزلیات نزدیک به سبک عراقی است، اما در قضاید و ترکیب

بندهای وی، هنوز نشانه‌هایی از سبک دستوری در شعر خراسانی مشاهده می‌شود.

مثلاً وی هنوز دو حرف اضافه را برای یک متمم به کار می برد:

از او نعامه تنقل کند به صحرا بر

وز او سمندر رقص آورد به هندوستان

یا:

آن شنیدستی که نمرود از مقام افتخار

می بسودی بر سر گردون کلاه سروری

یا آن که فعل امر را با «می» به جای «ب» همراه می کند:

گفتی که مرا خواهی غم می خور و جان می کن

غم خوردن و جان کردن کار چو منی باشد

به طور کلی، زبان او هم ویژگیهای سبک خراسانی را دارد و هم ویژگیهای سبک عراقی را و از این حیث زبان او اهمیت دارد.

### ب- ضرورت تصحیح تازه از دیوان جمال الدین:

پیش از آن که لزوم تصحیح مجدد دیوان جمال الدین بررسی شود، به کتابهایی که درباره اوست یا دیوانهایی که از او چاپ شده است، اشاره ای می شود.  
دیوان اشعار جمال الدین تاکنون دو بار به چاپ رسیده است: نخست به اهتمام محمد تقی ادیب نیشابوری (استاد دانشکده معقول و منقول خراسان) در سال ۱۳۱۰ هـ ش. از مجموعه نشریات کانون کتاب، چاپ چاپخانه آفتاب تهران.

این دیوان دارای مقدمه ای کوتاه، ۵۹ قصیده، ۶ ترکیب بند، ۹۳ قطعه و ۹۷ رباعی است که مجموعاً ۲۶۳ صفحه است. در مقدمه کتاب می خوانیم: «کتاب دیوان گفته پرداز نامی، سخن سنج گرامی، محمد بن عبدالرزاق اصفهانی را که خامه شریف و خط نفیس شاعر ارجمند و سخنور پایه بلند، مرحوم میرزای سرخوش نوشته شده و مانند مروارید ذی قیمتی است که پس از سالها نهفته شدن و گم نام بودن به این منظور به دست آوردم ... چون این کتاب تاکنون به طبع نرسیده و از نسخ معتبره بود، اقدام به چاپ آن را مفید دانستم و در به دست آوردن آن و نسخ دیگر برای مقابله و تطبیق با مشکلات فوق العاده از هیچ گونه زحمتی خودداری نکرده و ...» (۱ / مقدمه، ص «ج»).

این چاپ کاستیهایی دارد که در زیر به برخی از آنها اشاره می شود:

الف - مقدمه این چاپ مختصر و کوتاه است ( تنها اطلاعات موجزی درباره جمال الدین و زندگی او ارایه شده است)؛

ب- هیچ فهرستی در آن مشاهده نمی شود؛

ج - تشخیص حد و مرز ( ابتدا و انتها) قصاید، قطعات و ... دشوار است ( از آنجا که این اشعار بدون هیچ فاصله ای یکریز و پی در پی نوشته شده اند، تشخیص انتها و ابتدای آنها دشوار است و فقط از جهت تغییر وزن و قافیه شعر می توان به پایان یک شعر و آغاز شعر دیگر پی برد)؛

د - در این چاپ هیچ اشاره ای به نسخه یا نسخه ها و زمان کتابت آنها نشده است و در صورت دویم، اختلاف نسخه ها قید نشده است؛

هـ - این چاپ دارای ضبط های نادرست و غلط است و به خاطر شمارگان محدود آن کاملاً نایاب است.

\* \* \*

دومین بار این دیوان در مرداد ماه سال ۱۳۲۰ هـ. ش؛ یعنی ده سال پس از چاپ اول به اهتمام حسن وحید دستگردی توسط چاپخانه ارمغان به چاپ رسیده است. این اثر با مقدمه نسبتاً کوتاه و مختصر وحید دستگردی در مورد زندگی، شعر و دیگر خصوصیات شاعر آغاز می گردد. سپس وحید شاعران معاصر و برخی از ممدوحان جمال الدین را بر می شمارد و نمونه هایی از استقبالهای او از دیگران و دیگران را از او به صورت بسیار محدود می آورد، آن گاه در مورد نسخه های مورد استفاده خویش می گوید: «اکنون هیچ دیوان خطی قدیم، بالاتر از چهار یا پنج هزار بیت دیده نمی شود یا ما ندیده ایم. تنها دیوانی که ما به دستیاری و زحمات یگانه شاعر استاد آقای عبرت مصاحبی نایینی جمع آوری کرده ایم، در حدود ده هزار بیت است». آن گاه در مورد معرفی نسخه ها می افزاید: «چهار نسخه کهن سال مخصوص کتابخانه ارمغان است. نسخه پنجم در اواخر از طرف فاضل مقدم جناب آقای ذکاء الملک به ما رسیده که هر چند مختصر و تازه بود، ولی چند قطعه در آن یافته و بر دیوان افزوده ایم. نسخه ششم از کتابخانه دانشمند فاضل آقای صادق انصاری است. نسخه هفتم از کتابخانه دانشمند محترم آقای حاج حسین آقای نخجوانی است که به محض در خواست از تبریز به ما رسیده و از آن بسی استفاده کرده ایم. نسخه هشتم از فاضل استاد آقای سعید نفیسی است. نسخه نهم از دانشمند محترم آقای قویم الدوله. نسخه دهم از کتابخانه فاضل ادیب آقای جابری انصاری که زحمت مقابله را هم با یکی از نسخ ما خودش در اصفهان متحمل و نتیجه را برای ما فرستاده است» (۲/ مقدمه، صص «یط» و «ک»).

پس از این معرفی موجز، فهرست قصاید، ترکیب بندها، قطعات، غزلیات و رباعیات بر اساس حرف اول مصراع هر شعر به صورت الفبایی تنظیم شده است. در این چاپ ۱۲۹ قصیده، ۱۵۵ قطعه، ۱۵ ترکیب بند، ۱۵۲ غزل و ۱۲۴ رباعی وجود دارد. نقش اصلی مصحح دیوان، جمع آوری اشعار و ارایه یک مجموعه است. این کتاب نیز کاستیهایی دارد که در زیر بدانها اشاره می شود:

الف - عدم ذکر اختلاف نسخ و ضبط های متفاوت آن؛

ب - عدم معرفی کامل و کافی از نسخه‌ها، ویژگی آنها و شیوه تصحیح (شیوه تصحیح آن گونه که مسلم است التقاطی است)؛

ج - نبود فهرست‌های آغازی و پایانی (متناسب با ردیف و قافیه اشعار. نیز فهرستهای اعلام، آیات و ... )؛

د - نقص و کاستی مقدمه به ویژه در معرفی مختصات و ویژگی‌های زبانی، مکانی شاعر، سبک او و ممدوحان و ... .

ضمناً در این اثر به لحاظ رعایت نکردن رسم الخط و نگارش صحیح فارسی، گاه خواندن ابیات امری دشوار و ثقیل است.

یافت نسخه‌هایی دیگر از دیوان جمال الدین به غیر از آنچه که در اختیار وحید دستگردی بوده است، زمینه تصحیح مجدد و منقایی از دیوان را فراهم آورده است. امین احمد ریاحی در مقدمه‌ای بر نزه المجالس چنین نوشته است «جمال الدین شاعر بزرگی است، ولی شهرت اعتبار مرحوم وحید دستگردی مصحح دیوان او موجب شده که بعد از او کسی به فکر تصحیح دیوان او نیفتد؛ در حالی که آن چاپ هم ناقص است و هم بسیار مغلوط و تصحیح دیوان او واجب است.» (۱۰ / ص ۶۴)

در تصحیح حاضر از هشت نسخه معتبر استفاده شد که تنها یکی از آنها به صورت جنگ کوتاه متعلق به قرن هشتم و بقیه متعلق به قرن یازدهم و پس از آن است.

نسخه اساس متعلق به قرن یازدهم است و دارای قصاید، غزلیات، ترکیب‌بندها و دگر انواع شعر است و از کاملترین نسخه‌هاست. این نسخه دارای اشعاری است که در برخی دیگر از نسخه‌ها یافت نمی‌شود. چهار نسخه دیگر دارای تاریخ قرن یازدهم است که اگر چه یکی از آنها بدون غزل است، ولی مانند بقیه دارای انواع دیگر شعر است.

دو نسخه دیگر تاریخ متأخرتری دارند. یکی از آنها که جامعتر است، متعلق به اواسط قرن چهاردهم هجری (۱۳۳۵) و دیگری متعلق به اوایل این قرن (۱۳۱۱) است.

نسخه اخیر در اختیار سعید نفیسی بوده است که قطعاً یکی از نسخه‌های در دسترس وحید بوده است؛ این موضوع از مقایسه چاپ وحید با نسخه‌های دیگر این قرن، مشخص می‌شود.

از دیگر نسخه هایی که وحید نام می برد، یا هیچ کدام در دست نیست یا آن که قابل شناسایی نیست؛ با این وصف با تمام تلاشی که صورت گرفت، تنها هفت نسخه از اشعار دیوان به دست آمد و بقیه به صورت جنگ‌های شعر فارسی است.

اینک در مقابله نسخه‌های حاضر، سعی بر آن است تا علاوه بر گردآوری کامل اشعار جمال الدین اصفهانی، اختلاف نسخه‌ها - که مهمترین هدف این تصحیح است - نیز ذکر شود. اکنون به برخی از تفاوت‌های متنی چاپ وحید با ضبط نسخه‌های در دسترس اشاره می‌شود (این تفاوت‌ها جدای از فراهم نمودن فهرست‌های پایانی برای تصحیح حاضر است که در دیوان چاپ وحید وجود ندارد).

۱- در بعضی از نسخ دیوان جمال الدین اشعاری یافت شد که در چاپ وحید نیست. این اشعار اعم از قصیده و قطعه و رباعی و ... به صورت پراکنده در نسخ متعدد دیوان وجود دارد که بیشترین آنها در نسخه اساس است. در این میان، اشعاری نیز از نجیب الدین جرفادقانی، شاعر قرن هفتم در نسخه اساس مشاهده شد که به جمال الدین منتسب بود. این اشعار پس از مطابقت با دیوان موجود و ذکر اختلافات در پایان قصاید دیوان جمال الدین آورده شد.

الف - در بخش قطعات در نسخه های موجود، مواردی یافت شد که در چاپ وحید نیست؛ برخی از آنها چنین است:

دیده چو تو را دید دُر و لعل برافشانند

معذور همی دارش بیچاره همان داشت

گردوست همی دارم این طرفه نباشد

آری به چنان روی تو را دوست توان داشت

(۱۵/ص ۳۸۰)

عفو تو همه گناه بر گیرد

جود تو همه سؤال بر تابد

رای تو کلف ز ماه بر گیرد

خشم تو کمر ز کوه بگشاید

این دولت تاج و گاه بر گیرد

... بادات جهان به کام تا حظی

(۳/ص ۴۰۵)

پر ز دُر لفظ تو آکنده باد

گوش این چرخ صدف شکل تهی

بیخ عمر دشمنت برکنده باد

تند باد خشم و قهرت از جهان

سایه تو تا ابد پاینده باد

آفتاب دین ز تو رخشنده گشت

تا ز چرخ آید دورنگی روز و شب      روزگارت رام و چرخت بنده باد  
(۳/ص ۴۰۶)

بلند همت و بسیار دان و اندک سال      جهانگشای ممالک ستان دنیا دار  
پلنگ خاصیت پیل زور شیر افکن      همای سایه طوطی حدیث باز شکار

کند زمرد تیغبت به حلقه های زره      چنانک عکس زمرد به چشم افعی مار  
(۳/ص ۴۰۹)

کرم هر کسی اندر خور او باشد لیک

در حق خواجه همان نیست که در حق رهی

کرم من چو بود آنکه نخواهم ز تو هیچ

کسرم تو چه بود آنچه بخوام بدهی  
(۳/ص ۴۳۰)

تعداد قطعات در مقابله کنونی ۱۵۱ قطعه است.

ب - در قسمت رباعیات جز چند رباعی جدید، تعداد ۴۵ رباعی نیز از نزه المجالس به متن اضافه گردید که در دیگر نسخ و چاپها نیامده است. از آن جمله است نمونه‌های زیر:

غم های تو را به شادمانی ندهم      وصلت به حیات جاودانی ندهم  
آن لحظه که غمزه ات کشد ختجر کین      مرگی به هزار زندگانی ندهم  
(۳/ص ۵۳۴)

نرگس که به باغ سر به سر چشم افتد      با چشم توام خرده در چشم افتد  
بنگر که ز خاک بر نمی دارد چشم      ز آن شرم که با تو چشم بر چشم افتد  
(۳/ص ۵۴۳)

چساکر غم عشقت به جهانی بخرد      بفروشد صد سود و زیانی بخرد  
در عشق تو نیست کمتر از پروانه      کز شمع یکی بوسه به جانی بخرد  
(۳/ص ۵۴۳)

در عشق حدیث مصلحت باد بود      هر غم که از او کشی همه داد بود  
این زیور عاشقی، کسی را زبید      کز هژده هزار عالم آزاد بود  
(۳/ص ۵۴۴)



دلدار ز دور روی بنمود و برفت  
یک لحظه به نزد ما نیاود و برفت  
آن صبر که خود نداشتم پاک ببرد  
و آن دل که مرا نبود، بر بود و برفت  
(۳/ص ۵۴۲)

در ضمن، "مجموع رباعیاتی که تاکنون از منابع و نسخ مختلف به دست آمده، ۱۶۸ رباعی است. بنابر این مجموع پنجاه رباعی جدید یافته شد.

ج - مثنوی: در یکی از نسخ دیوان جمال الدین مثنوی کوتاهی آمده است که در هیچ منبع دیگری نیست. این مثنوی بر وزن حدیقه سنایی و موضوع آن ادبیات غنایی است که در نوع خود بی نظیر و مطلع آن چنین است:

به که نالم من از شکست دلم  
وای من وای من ز دست دلم ...

(۳/ص ۵۴۹)

۲- از دیگر اهداف این تصحیح، دسته بندی صحیح قصاید و غزلیاتی است که در چاپ وحید دستگردی از روی سهو در قسمت دیگری، غیر از قسمت مربوط به خودش آمده است. مثلاً قصیده مشهوری که در وصف اصفهان سروده شده، در قسمت قطعات قرار گرفته است. مطلع این قصیده چنین است:

دیدم تو اصفهان را آن شهر خلد پیکر  
آن سدره مقدس آن عدن روح پرور

(۲/ص ۴۱۰)

همین طور قصیده مشهور و طولانی که در نسخ مورد استفاده وحید بسیار موجز و مختصر بوده و وی آن را در قسمت قطعات ذکر کرده است. اکنون با یافتن نسخه های جدید، بخشهای دیگر این قصیده در دسترس قرار می گیرد. مطلع آن چنین است:

ای حُسن بسته بر قمرت رنگ ارغوان  
و ایزد نهاده بر شکرش شکل ناردان

(۲/ص ۴۲۱)

۳- هدف دیگر تصحیح جدید که تا اندازه ای به لحاظ اهمیت از دو مورد پیشین برتر می نماید، تصحیح ابیات و اشعاری است که با نبود نسخ خطی بدرستی تصحیح نشده است و هم اکنون با وجود نسخ، قابل تصحیح است. در اینجا، برای نمونه به مواردی از این دست اشاره می شود. مثلاً در چاپ وحید می خوانیم:

وز پی آن تا کنی بار دگر آنجا گذر

کعبه دل دارد کزو چون روضه جان دارد نوا

(۲/ص ۳۹)

و در نسخ موجود آمده است:

وز پی آن تا کنی بار دگر آنجا گذر

کعبه دل دارد گرو چون روضه جان دارد نوا

(۳/ص ۱۶)

که در اینجا کلمه «گرو» به صورت مراعات نظیر با کلمه نوا به کار رفته است. یا این نمونه:

ز پیش ماه همی آفتاب گشت نهان چنان که پیش رخی در غزی بود شاهی

(۲/ص ۳۸۲)

و در نسخه اساس می خوانیم:

ز پیش ماه همی آفتاب گشت نهان چنان که پیش رخی در عری بود شاهی

(۳/ص ۳۴۷)

کلمه «غزی» به معنای جنگ است؛ حال آنکه کلمه «عری» به کسر عین در اصطلاح شطرنج آن است که شاه شطرنج در برابر مهره حریف افتد. شطرنج عری، با مات عری آن است که مهره ای میان شاه و رخ افتد که اگر آن را بردارند شاه کشت شود (یادداشت مرحوم دهخدا). این کلمه همان کلمه ای است که در اصطلاح امروزی به آن «آچمز» گفته می شود. خاقانی گوید:

شه وقت عری شکار باشد بیدق همه وقت زخم خوار باشد

(۱۰/ص ۲۰۱)

یا در دیوان می خوانیم:

شعر فرستادنت به ما چنان است راست که مور پای ملخ نزد سلیمان برد

(۲/ص ۸۶)

اما در ضبط نسخه های موجود می خوانیم:

شعر فرستادنت به ماچنان است راست مور که پای ملخ نزد سلیمان برد

(۳/ص ۷۸)

یا:

از دور زمانه هیچ می ناسایم می گویم و با بخت همی برنایم

(۲/ص ۴۹۸)

در حالی که در ضبط نسخه های کهن می خوانیم:

از جور زمانه هیچ می ناسایم      می کوشم و با بخت همی برنایم  
(۳/ص ۵۳۳)

در این نمونه نیز ظاهراً « می کوشم » به جای « می گویم »، با استناد به کثرت ضبط  
نسخ قابل پذیرش است.

یا این بیت، که به اشاره وحید در دیوان، نیاز به تصحیح مجدد دارد و در اینجا صورت  
راستین آن آمده است:

سراپایش همه مغز معانی      نه چون شعرا به توری منافع  
(۲/ص ۲۱۱)

و در ضبط نسخه های موجود می خوانیم:

سراپایش همه مغز معانی      نه چون شعر ایوردی فقاغ  
(۳/ص ۱۵۸)

یا این نمونه که در دیوان می خوانیم:

تو تازیانه کشی بر فرشته وانگاهی      به دود و خاک تن اندر دهی در این گلخن  
(۲/ص ۲۹۲)

و در ضبط نسخه اساس می خوانیم:

تو بار نامه کنی بر فرشته وانگاهی      به دود و خاک تن اندر دهی در این گلخن  
(۳/ص ۲۲۸)

در این بیت، اصطلاح «بارنامه کردن» به معنای «تازش و میاهات کردن» است و  
نمونه هایی از کاربرد این اصطلاح را می توان در کتابهایی چون تاریخ بیهقی، کیمیای  
سعادت و شعر شاعران مشهور پارسی یافت؛ ضمن آنکه دهخدا نیز در ذیل کلمه  
«بارنامه» شواهد بسیاری آورده است.

نمونه ای دیگر از چاپ وحید می خوانیم:

عدوی جاه تو پنداشت دست برد بدان

که مهره دزدد یا خانه ای دغا کرده است

(۲/ص ۷۶)

در نسخه های کنونی می خوانیم:

عدوی جاه تو برداشت دست بر دندان      که مهره دزدد یا خانه دغا کرده است

(۳/ص ۴۷)

### نتیجه

امروزه در زمینه علوم ادبی، تصحیح و مقابله متن، جایگاهی ویژه دارد. از آغاز قرن حاضر تاکنون آثار فراوانی تصحیح شده است. اگر چه دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی دو بار به چاپ رسیده است، اما هر دو چاپ کاستیهایی دارند که بسیاری از آنها با مقابله نسخه های کنونی دیوان برطرف می شود. در تصحیح حاضر از هشت نسخه موجود دیوان جمال الدین استفاده شده است که برخی از آنها در اختیار دو گردآورنده پیشین نبوده است و همین امر سبب شده است تا برخی از ابیات مورد تصحیح درست قرار نگیرد.

در این تصحیح، علاوه بر گرد آوری تمام اشعار موجود جمال الدین اصفهانی و ضمن مقابله نسخه ها و ضبط اختلافات آنها، مقدمه ای جامع، همراه با فهرستهای برای آن در نظر گرفته شد تا پژوهشگران براحتی از این فهرستها استفاده کنند. اهمیت شعر جمال الدین، بویژه از آن جهت است که وی از طرفی یکی از شاعران دوره پیش از مغول است و از سوی دیگر، شعر او از دیدگاه تاریخی، ادبی و زبانی دارای نکات ارزشمندی است که می تواند مورد توجه دانش پژوهان قرار گیرد.

### پیش‌نوشت

۱- این چاپ بدون تاریخ است و این تاریخ در کتاب فهرست نسخه های خطی فارسی از احمد متروی آمده است. ر.ک. ج ۳، ص ۲۲۷۲.

### منابع

- ۱- اصفهانی، جمال الدین عبدالرزاق: دیوان، به اهتمام ادیب نیشابوری، شرکت کانون کتاب، بی تا.
- ۲- \_\_\_\_\_: دیوان، به اهتمام وحید دستگردی، چاپخانه ارمغان، ۱۳۲۰.
- ۳- \_\_\_\_\_: دیوان، تصحیح حمید رضا قانونی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲.
- ۴- انوری: دیوان، به اهتمام تقی مدرس، چاپ سوم، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴.
- ۵- حافظ: دیوان، تصحیح پرویز ناتل خانلری، چاپ اول، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۹.

- ۶- رازی، امین احمد: هفت اقلیم، تصحیح سید محمد رضا طاهری، سروش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۷- سعدی: گلستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ چهارم، خوارزمی، تهران، بهمن ۱۳۷۴.
- ۸- \_\_\_\_\_: دیوان غزلیات، خلیل خطیب رهبر، چاپ دوم، اساطیر، تهران، ۱۳۶۷.
- ۹- سنایی: دیوان، تصحیح مدرس رضوی، کتاب فروشی ابن سینا، تهران، [بی تا].
- ۱۰- شروانی، جمال خلیل: نزه المجالس، تصحیح امین احمد ریاحی، زوآر، تهران، ۱۳۶۶.
- ۱۱- شمیسا، سیروس: سبک شناسی شعر، فردوسی، تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۲- صفا، ذبیح الله: تاریخ ادبیات در ایران، چاپ سیزدهم، فردوسی، تهران، ۱۳۷۳.
- ۱۳- فروزانفر، بدیع الزمان: سخن و سخنوران، خوارزمی، تهران، شهریور ۱۳۵۰.
- ۱۴- کسایی مروزی: دیوان، به کوشش نصر الله امامی، جام، تهران، زمستان ۱۳۷۴.
- ۱۵- منوچهری دامغانی: دیوان، به کوشش محمد دبیر سیاقی، چاپ دوم، زوآر، تهران، ۱۳۷۵.



ژړوېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی